

کتاب، ۱۵، حواص
۱۳۶۶۸۰۲



من یا چشم‌هایم

تأملی پیرامون نابینایی، کم‌بینایی و جامعه

دکتر نرگس نیکخواه قمصری

(عضو هیئت علمی دانشگاه کاشان)

مرتضی واحدیان



سرشناسه: نیکخواه قمصری، ترگس، ۱۳۵۵ -
 عنوان و نام پدیدآور: من یا چشم‌هایم: تأملی پیرامون نابینایی، کم‌بینایی و جامعه/ ترگس نیکخواه قمصری،
 مرتضی واحدیان؛ ابرای دانشگاه کاشان.
 مشخصات نشر: تهران: به منش، ۱۳۹۴.
 مشخصات ظاهری: ۲۴۰ ص.
 شابک: 3-3-95336-600-978-۱۷۰۰۰۰ ریال
 وضعیت فهرست نویسی: فیپا
 یادداشت: واژه‌نامه. یادداشت: کتاب‌نامه: ص. ۲۱۷ - ۲۳۴.
 عنوان دیگر: تأملی پیرامون نابینایی، کم‌بینایی و جامعه.
 موضوع: نابینایی موضوع: کم‌بینایی
 شناسه افزوده: واحدیان، مرتضی، ۱۳۶۷ -
 رده بندی کنگره: ۹۱/ن۹م۸ ۱۳۹۴ RE
 رده بندی دیویی: ۶۱۷/۷۱۲
 شناسه افزوده: دانشگاه کاشان
 شماره کتابساز: ۴۰۳۳۶۹۶ کلی:



دانشگاه کاشان



انتشارات بهمنش

عنوان: من یا چشم‌هایم
 تأملی پیرامون نابینایی، کم‌بینایی و جامعه
 نویسندگان: دکتر ترگس نیکخواه قمصری
 مرتضی واحدیان

کتاب آرا، فریده شهنازی

طراح جلد: مرانه میلادی

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: مفید

شمارگان: ۱۱۰۰ نسخه/ قطع وزیری

نوبت چاپ: اول - پاییز ۱۳۹۴

شابک: 3-3-95336-600-978-۱۷۰۰۰۰

ISBN: 978-600-95336-3-3

قیمت: ۱۷۰۰۰۰ ریال

همه حقوق این اثر متعلق به انتشارات بهمنش است و هر نوع استفاده بازرگانی از این اثر
 اعم از ضبط کامپیوتری، صوتی، بازنویسی و یا تکثیر به هر صورت دیگر کلاً و جزئاً ممنوع
 و قابل تعقیب قانونی است.

انتشارات بهمنش

تهران بزرگراه یادگار امام شمال خیابان ایثارگران شمالی

کوی فرهنگ، فرهنگ چهارم بلوک ۲۵ واحد ۴

تلفکس: ۰۲۱-۲۲۱۴۱۲۰۹

صندوق پستی: ۱۴۶۶۵-۲۵۹

www.behmaneshpub.com

info@behmaneshpub.com

فهرست مطالب

عنوان

صفحه

۵	پیشگفتار.....
۱۱	ایستگاه اول / واکاوی مسئله.....
۱۲	مقدمه.....
۱۶	نابینایی / کم‌بینایی؛ مسئله‌ای فیزیولوژیک یا فرهنگی؟.....
۲۴	تأملی در ضرورت مطالعه.....
۳۱	ایستگاه دوم / نابینایی در آینه تحلیل نظری ساختار - عاملیت.....
۳۶	دوگانه زیربنا/ روبنا.....
۳۷	سوژه در گریزگاه ایدئولوژی.....
۴۰	هژمونی، قانون و دولت.....
۴۳	بازنمایی و پرورش سوژه در متن اجتماعی.....
۵۰	جامعه‌پذیری در پرتو گفتمان و سازوکارهای زبانی.....
۶۲	هویت سوژه زیر سایه داغ ننگ.....
۶۹	سازوکارهای داغ ننگ.....
۷۰	فرایندهای یافتن تأیید برای انتظارات ذهنی.....
۷۱	داغ ننگ به‌عنوان تهدیدی برای هویت.....
۷۵	تلفیق و تعامل فی‌مابین ساختار و عاملیت.....
۸۸	جمع‌بندی: کنشگر نابینا یا کم‌بینا در میانه ساختار و عاملیت.....
۹۳	ایستگاه سوم / نابینایی و کم‌بینایی؛ معلولیتی متفاوت.....
۹۳	مقدمه.....
۹۶	نابینایی و معلولیت.....
۹۹	تاریخچه، مواضع و مدل‌های نظری در مطالعه معلولیت.....
۱۰۱	کارکردگرایی.....

۱۰۲	تفسیرگرایی
۱۰۷	انسان‌گرایی رادیکال
۱۰۹	ماتریالیست و ساختارگرایی رادیکال
۱۱۷	جنسیت و معلولیت
۱۲۵	نژاد و معلولیت
۱۲۷	طبقه اجتماعی و معلولیت
۱۳۳	ایستگاه چهارم / تماشاگاه تجربه
۱۴۳	نگاه غیریت‌ساز و غریبه بین فضای اجتماعی
۱۴۵	پناهگاه خانوادگی
۱۴۷	پنهان‌کاری
۱۴۸	کناره‌گیری
۱۴۹	مکانیسم اعتمادسازی
۱۵۳	بستر اجتماعی
۱۶۰	کناره‌گیری از صحنه اجتماعی
۱۶۳	پنهان‌کاری
۱۶۸	قرارگیری در صحنه اجتماعی
۱۷۲	مقاومت در برابر انگاره‌سازی‌های هژمونیک
۱۸۲	میدان‌های ممنوعه و نادیده گرفته شده در زیست‌فشار
۱۸۳	بعد اقتصادی
۱۸۸	بعد فراغتی
۱۹۱	بعد اجتماعی
۱۹۴	بعد آموزشی
۱۹۶	اجتماع مطالبه‌گر
۲۰۵	ایستگاه آخر / نگاهی به رهاورد سفر
۲۱۷	منابع
۲۳۵	واژه‌نامه فارسی - انگلیسی
۲۳۷	واژه‌نامه انگلیسی - فارسی
۲۳۹	نام‌نما

پیشگفتار

افراد نابینا یا کم‌بینا همچون همهٔ مخلوقات، پای بر زمین نهاده‌اند تا رسم پرثمر زیستن را در خود و با جامعه به فعلیت رسانند، بی‌خبر از آنکه دست تقدیر از سرآغاز ورود یا در میانه راه، تفاوتی برایشان رقم زده و خاموشی یک‌باره یا تدریجی فروغ دیدگان‌شان را وجه تمایز آن‌ها با دیگران قرار داده است تا به‌واسطهٔ فقدان توانی جسمانی، یک فرد متفاوت شناخته شوند. اما ژرفا و گسترهٔ این تفاوت تا کدامین بند قصیدهٔ زندگی ادامه می‌یابد؟ آیا مضمون همیشگی مرثیه‌هایش خواهد بود در سوگ روشنایی؟ یا درون‌مایهٔ تکاپویی سخت برای آفرینش معنایی شگرف از خویشتن خویش؟ آیا در پس حصارهای سترگ ندیدن محبوسش خواهد کرد یا در پرتو حمایتی، اوج اراده و پرواز اندیشه‌اش را به نمایش خواهد گذاشت؟

پرسش‌هایی از این دست، ذهن مؤلفان این اثر را به این سمت و سو رهنمون کرد که مسئله نادیده گرفته شدن نابینا یا کم‌بینا و مسائل مشابه آن در میان انبوهی از مسائل و مناسبات اجتماعی فرهنگی، از چشم تیزبین و زیربین محققان و پژوهشگران این عرصه از دانش بشری چنان دور مانده که گویی همهٔ بودنش قربانی ندیدنش شده است؛ اما آیا می‌توان چنین فردی را در ذیل یک برجسب غیرعادی‌ساز، محروم‌کننده و منفوبین قرار داد؟ حال آنکه علی‌رغم محدودیت‌های فیزیکی، همچنان یک سوژهٔ استعلایی است، بدین معنا که می‌تواند جهان پیرامونش را بسازد، از هم بپاشد، معناسازی یا معنازدایی کند. آنچه در این میان می‌تواند چالشی در ذهن او و رنجی بر دوشش باشد، نه محرومیت وی از نعمت بینایی که بی‌باوری نگاه اجتماع به اوست! درواقع، با آنکه گفتمان سیاسی مسلط جامعهٔ امروز، بیش‌ازپیش بر محوریت تأمین عدالت اجتماعی، خود را عامیانه و بازتولید می‌کند، اندیشه و عمل جمعی در تعاملات

اجتماعی، همچنان حاکی از نخواستن آن‌هاست و تمامیت حمایت‌های سازمانی جمعی از چنین سوژه‌ای، تنها و بیشتر، معطوف به چگونگی گفت‌وگوهای ارتباطی در محاوره عمومی شده است؛ در حالی که این کنشگران اجتماعی بیش از آنکه به کاربرد اصطلاحات دل‌نشین‌تر از سوی جامعه در بیان ناتوانی‌شان محتاج باشند، مشتاق اندکی باور و صداقت هستند.

تلاش آن‌ها برای بودن در جامعه و با جامعه، نشان کوچکی است از عزم جزم‌شده‌شان برای مبارزه با درد ناشی از فقدان اعتماد اجتماعی و مبارزه با لفاظی‌های متکی بر نتوانستن، مهر تأییدی است بر این تلاش به‌تنهایی و در تنهایی! بنابراین، علی‌رغم پابرجایی نگاه‌های تقلیل‌گرا و طردکننده از سوی ذهنیت کنشگران اجتماعی به این افراد که می‌تواند شأن انسانی آن‌ها را محکوم و شایستگی‌های اجتماعی‌شان را در محاق برد، نگره اجتماعی حاکم بر جامعه باید به برخوردار شدن این کنشگران از امکانات و منابع جمعی بیندیشد و همچنین برابری در امتیازات و منافع عمومی موجود را برایشان ملموس و قابل حصول کند. توزیع متوازن ارزش‌های هنجارین اجتماعی، برچیدن دسته‌بندی‌های استوار بر بنیان تبعیض و تلاش در راه تغییر قضاوت‌های برچسب‌گذار کنشگران اجتماعی دارای اقتدار، نسبت به آن‌ها که فاقد اقتدار رسمی - نقشی هستند، می‌تواند گام‌هایی آغازین باشد در مسیر تحقق کرامت انسانی و محو تیرگی احساس غریبه بودن و در حاشیه ماندن آن‌ها.

از این‌رو، مؤلفان این اثر که یکی از اواخر دوره نوجوانی، ثانیه ثانیه، هجرت خورشید را از دیار چشمانش بدرقه کرده و دیگری که همدلی و هم‌نشینی با نابینایان و کم‌بینایان کاشانی را دست‌مایه نکته‌سنجی پژوهشی خویش قرار داده، بر آن شدند تا در پرتو تلاقی نگاه از درون و از بیرون به دانشی هرچند اندک در این عرصه مغفول‌مانده در میان مطالعات اجتماعی فرهنگی دست یازند و آن را در طبق اخلاص، تقدیم همه آن‌هایی نمایند که دغدغه زدودن زنگار از سیمای انسانیت دارند. باین‌همه نیک آگاهیم تنها کورسوی چراغی در آستانه راهی پرپیچ‌وخم برافروخته‌ایم که جز با دقت نظر دوستان دردآشنا و نقادی‌های ارزنده و سازنده آن‌ها روشنایی نخواهد گرفت و اما از آنجاکه از لحظه ظهور این دغدغه در ذهن تا هنگام عینیت یافتن آن در قالب متن، مرهون مهر خوبانی بوده‌ایم که بی‌همراهی و همکاری‌شان

این تلاش را سرانجامی متصور نبود، فرصت را مغتنم شمرده و به شایستگی زبان به زیور سپاس می‌آراییم و در واپسین سطور این کلام ارج می‌نهمیم به:

توجه والای ریاست محترم دانشگاه کاشان آقای دکتر عباس زراعت که همواره رشد و بالندگی نابینایان و کم‌بینایان را حامی و پشتوانه‌اند.

حسن تدبیر معاونت پژوهشی دانشگاه، آقای دکتر مجید منعم‌زاده، رئیس دانشکده علوم انسانی، آقای دکتر محمد گنجی و مدیر انتشارات دانشگاه کاشان آقای دکتر حسین قربانپور که با تعهد حرفه‌ای خود، زمینه انتشار این اثر را فراهم کردند.

نیک‌اندیشی و مهرورزی اعضای محترم کمیته همدلی با جامعه نابینایان و کم‌بینایان کاشان که پیوسته مترصد توانمندسازی و خوداتکایی اعضای این جامعه هستند.

ژرفای بیش مدیر جامعه نابینایان و کم‌بینایان کاشان، آقای سید ابوالفضل سادات الحسینی که با نگاه به آینده، پرداختن به امور زیربنایی جامعه هدف را وجهه همت خود ساخته‌اند.

صبوری عزیزانی را که در طول مصاحبه‌ها با ما نشستند و تجربه زیسته خویش را صادقانه بر ما هویدا کردند. مهربانی خانم‌ها شریعتی و شفیعی و همچنین یاری آقایان علیرضا خوشبختی، رضا واحدیان، محمود واحدیان که هرکدام به نحوی ما را یاری کردند، همکاری و مشاوره‌های راهگشای آقای سید مهدی صادقی‌نژاد، مدیر محترم انتشارات به‌منش که زمینه چاپ و نشر این اثر را فراهم نمودند و همه آن‌ها که ذکر نامشان را در این مختصر مجالی نیست، اگرچه یادشان در خاطرم ماندگار است.

برگس نیکخواه قمصری

مرتضی واحدیان

تابستان ۱۳۹۴